هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

سرمقاله

جمعیت اسلامی، خواهان اردوی ملی است، نه سیاسی!

ص۲

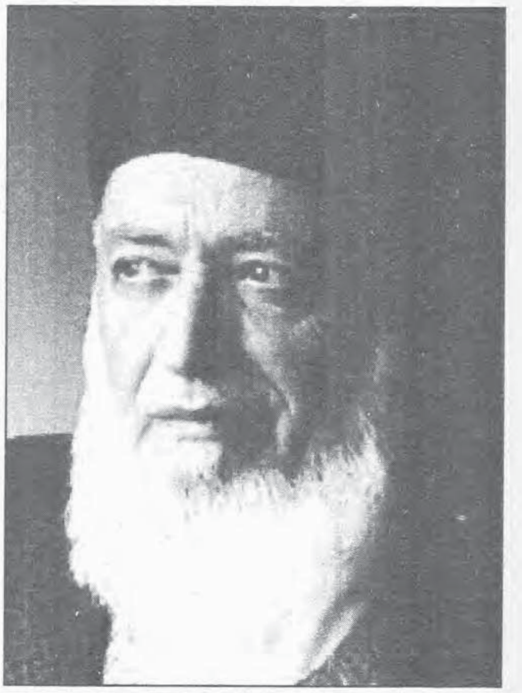
د طالبانو لپاره د مشخص او څرګند آدرس اړتیا

ص۶

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ سی و ششم ۲۵جدی ۱۳۸۹   ۱۰ صفر المظفر ۱۴۳۲ - 15 Jan 2011

استاد برهان الدین ربانی رئیس شورای عالی صلح در یک نشست خبری:

صلح، نیاز و ضرورت امروز و فردای افغانستان است



به تاریخ ۱۴ جدی سال روان هیأت عالی رتبهٔ ۱۳ نفری شورای عالی صلح به رهبری استاد برهان الدین ربانی رئیس شورای عالی صلح برای چهار روز به جمهور اسلامی پاکستان سفر نمود. این هیأت با مقامات بلند رتبهٔ جمهوری اسلامی پاکستان، رهبران سیاسی و مذهبی آن کشور پیرامون همکاری های دو جانبه برای بازگرداندن صلح و ثبات و بهبود روابط بین دو کشور ملاقات های رسمی و غیر رسمی را انجام دادند.

مقامات شورای عالی صلح سفر شان را به پاکستان پردست آورد خواندند و دیدارهای طرفین را ثمربخش توصیف نمودند.

پس از بازگشت، رئیس شورای عالی صلح در یک کنفرانس خبری حضور پیدا کرد و برخی شایعاتی را که در رسانه ها تبلیغ شده بود، رد نمود.

رئیس شورای عالی صلح هر نوع توافق را با جانب پاکستان مبنی بر ایجاد جرگه گی و باز گشایی دفتر طالبان در پاکستان رد نموده و تصریح کرد طی این سفر تنها توافق شد که مذاکرات در سطوح بالای حکومت ها و افراد تأثیرگزاری که بتوانند، برای تأمین صلح کارایی داشته باشند ادامه یابد. به گفتهٔ رئیس شورای عالی صلح پیشنهاد هیات افغانستانی از طرف مقامات سیاسی و مذهبی و حتی استخباراتی پاکستان پذیرفته شد.

استاد تأمین صلح و ثبات را خواست تمام مردم افغانستان، کشورهای اسلامی و سایر اعضای جامعهٔ جهانی دانست و افزود، زمان آن فرا رسیده، همانگونه که در مسایل جنگ همه با هم بسیج شده بودند، اینک برای برگشت صلح تلاش های همه جانبه نمایند.

ص۵

دپاکستان اوسنی سیاسي وضیعت، او دغه هیواد ته د جوبایډن سفر

۶مخ

آمادگی ها برای دفاع مستقل



وحید مژده

به سلسلهٔ سفرهای مترقبهٔ مقامات عالیرتبهٔ غربی به افغانستان، جوبایدن معاون رئیس جمهور امریکا نیز روز دوشنبهٔ هفتهٔ گذشته وارد افغانستان شد. هدف از این سفر بررسی شرایط افغانستان در آستانهٔ خروج نیروهای امریکایی از این کشور خوانده شده است.

بایدن در این سفر در کنار صحبت و تبادل نظر با فرماندهان نظامی امریکا و ناتو، از مراکز آموزش نیروهای مسلح افغانستان نیز دیدن نمود. وی گفت که خروج نیروهای امریکایی از افغانستان در سال ۲۰۱۴ به معنی پایان کمک های امریکا به افغانستان نیست بلکه امریکا در طولانی مدت خود را به کمک به افغانستان متعهد می داند.

وی گفت که خروج نیروهای امریکا و ناتو از افغانستان از اوایل سال ۲۰۱۱ آغاز و در سال ۲۰۱۴ سپردن ماموریت به نیروهای افغان به پایان می رسد اما خروج نیروها از افغانستان به شرایط نیز رابطه دارد.

جوبایدن کسی بود که برای نخستین بار با صراحت گفت که سال ۲۰۱۴ پایان ماموریت نیروهای خارجی در افغانستان خواهد بود اما اینکه وی در این سفر به افغانستان، خروج در ۲۰۱۴ را مربوط به شرایط آن زمان ساخت، می تواند به یکی از دو دلیل ذیل باشد:

نخست اینکه امریکا نمی خواهد با اعلام قطعی ۲۰۱۴ به عنوان تاریخ خروج، روحیهٔ هواداران خود در افغانستان را ضعیف سازد و به این ترتیب فضائی از عدم اعتماد به آینده را به میان آورد. زیرا هنوز کم نیستند کسانی که در مورد قابلیت نیروهای افغان در گرفتن مسوولیت کامل در سال ۲۰۱۴ تردید دارند. این کار از طرف دیگر می تواند به تقویت روحیهٔ مخالفین کمک کند و آنها را در جنگ علیه نیروهای خارجی مصمم تر سازد.

دلیل دیگر می تواند این باشد که امریکا هنوز هم از پیروزی نظامی در جنگ افغانسان مایوس نیست و گمان می کند تا

ص۲

رفتار انفعالی حکومت در برابر محاصرهٔ اقتصادی همسایه ها

اندیشه



یکی از وظایف عمدهٔ حاکمیت ها مصؤنیت بخشیدن در عرصهٔ اقتصادی برای شهروندان می باشد.

متأسفانه از این رهگذر حکومت افغانستان تا کنون نسبت به مردم بی بضاعت و آسیب پذیرجامعه بی مسؤولیت برخورد کرده است.

موضوع توقیف تانکرهای تیل بازرگانان در مرز کشور ایران، از مدت ها است که موضوع خبری رسانه ها شده است.

با آنکه گفته شده، این موضوع در سفر معاون اول رئیس جمهور حل شده، اما با گذشت دو هفته بازهم از ورود تانکرهای نفتی به خاک افغانستان خبری نیست و این موضوع به شکل لاینحل باقی مانده است.

به اساس گزارش های رسیده، مقامات ایرانی اجازه داده اند تا مواد نفتی افغانستان در ذخیره گاه های آن کشور تخلیه شود.ص۵

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، چوک دهمزنگ به استقامت سرک دارالامان، دست چپ نرسیده به هوتل کابل شاهان
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۰۲۸۵۱۳۹
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

جمعیت اسلامی،
خواهان اردوی ملی است، نه سیاسی!

رئیس جمهور به روز ۱۸ جدی به قوماندانانی قطعات اردوی ملی در ارگ ریاست جمهوری سخنرانی ایراد کرد که از چند جهت باید مورد بحث و مطالعه قرار گیرد:

۱ـ در مورد اردوی ملی کشور ها و به خصوص پاکستان، هند و فرانسه... سخنان بسیار درست و قابل تاییدی ارائه شد که اردوی کشور ها باید اردوی ملی و متشکل از همه اقوام آن کشور باشد و باید در خدمت منافع ملی همان کشور، قرار بگیرد.

۲ـ در افغانستان چرا اردو سیاسی شد و به کار نامه های تلخ و ننگین گذشته و فعالیت خلق و پرچم اشاره شد که مرام شان حزبی بود و همه قوماندانان مهم اردو را اعضای کمیتهٔ مرکزی حزب خود می خواندند و...

۳ـ در مورد ضرورت ارتقای افسران و این که یک افسر چند سال در یک رتبه باقی می ماند و زمینه برای ترفیع داده نمی شود...

۴ـ افغانستان یک کشور آزاد و مستقل است و افسر افغان نباید مطیع یک افسر خارجی باشد و از او دستور بگیرد...

۵ـ اردو باید غیر سیاسی باشد، کسانی به احزاب می روند که بیکار باشند و ...

موضوع بحث ما، روزهای دشوار پیروزی جهاد و کار سیاسی افسران اردو است! در این شکی نیست که در اکثر کشور های دنیا اردو ها، باید ملی و غیر سیاسی باشند. فقط در کشورهای کمونیستی، اردو جزء نظام و ادارهٔ حزبی قرار گرفته بود و یا در کشورهایی که بر اساس کودتا ها به قدرت رسیده بودند، مانند حزب بعث در عراق و سوریه و ...

جمعیت اسلامی افغانستان نیز از آغاز به حیث یک جریان فکری ـ سیاسی به راه افتاده بود و هرگز کار در اردو را به حیث یک رسالت نه پذیرفته بود. کودتای ۲۶ سرطان داوود خان سر آغاز مداخلهٔ سیاست در اردو بود که شکل رسمی به خود گرفت و پس از کودتای ۷ ثور جزء اساسی نظام و حکومت قرار داده شد...

ما به قانون اساسی کشور و قانون احزاب سیاسی وفادار و متعهد هستیم و بر این باوریم که دموکراسی ها بدون وجود احزاب سیاسی معنی ندارد و از شرایط بسیار مهم آن است.

درست است که در جریان جهاد پرافتخار مسلحانه، صدها و هزاران عسکر و افسر به صفوف ما پیوستند و این عملیه شامل همان سال ها و ضرورت های آن بود. امروز نیز صد ها افسر با همان شناخت و تماس قبلی به جمعیت اسلامی ارتباط دارند ولی هرگز به هیچ یک از این افراد، کارت عضویت را نداده و در جلسات حزبی خود دعوت نکرده است.

اردو باید فهم و درک سیاسی را داشته و از تمام مسایل و جزئیات آن آگاه باشد، ولی هرگز در متن جریانات حزبی و سیاسی نباید راه پیداکند و باید کاملاً مسلکی و غیر سیاسی باشد.

ما طبق احکام قوانین، هرگز به افراد شامل و در حال خدمت در اردو، پولیس، امنیت ملی، سارنوالی و قضا نه مراجعه کرده و نه به مراجعهٔ آن ها اقدام کرده ایم. قانون قابل احترام است و تا زمانی که قانون در کشور مرعی الاجرا نباشد، امور کشور سامان نمی گیرد و همه باید از آن اطاعت کنند.

در سال های پایانی جهاد، رژیم کابل از هر جهت پوسیده و از هم پاشیده بود، پس از کود تای تنی و حتی پس از ملیشه سازی ها، اردوی متحد باقی نمانده و به شعبات مختلف تجزیه شده بود، با پیروزی جهاد و تسلیمی قطعات مختلف نظامی به گروه هایی از مجاهدین، تانک ها به گروه ها تقسیم شد و هر قوماندان نام یک تنظیم را بر روی تانک خود نوشته بود که باید چنین نمی شد و هرگاه دولت و حکومتی وجود می داشت، باید همه به آن تسلیم داده می شد و همه وسایل و تانک ها مال ملت و حکومت می بود و ضرورتی به تنظیم ها و نوشتن نام یک تنظیم نبود! و آنانی هم خود را مبرا می دانند که مداخلهٔ در امور آنزمان داشته اند، جز نام و نشان چیزی نداشتند.

درست است که اردو باید ملی، مسلکی و غیر سیاسی باشد ولی این هم درست است که احزاب سیاسی هم از مایه های مهم نظام های دموکراسی و مردم سالاری اند و در حکومت و پارلمان، ما چند تن شخصیت مهم از افراد برجستهٔ سیاسی و متعلق به احزاب سیاسی کشور که قانون احزاب سیاسی کشور ضامن حمایت و پاسداری از آنان است و جود دارند. این ها افراد بیکار نیستند و سال ها تحصیل کرده و امروز نیز مشغول یک کار مهم در خدمت مردم ما اند و باید به آنان احترام قایل شد.

آمادگی ها برای دفاع مستقل


(AFP)

ادامه از صفحه اول

سال ۲۰۱۴ شاید موقعیتی به دست آید که طالبان به صورت کامل از صحنه حذف گردند و در آن صورت نیروهای امریکایی بتوانند با مصارف مالی نازلتر و قبول خطر بسیار کمتر در افغانستان باقی بماند.

تاکید بایدن بر اینکه امریکا خواهان همکاری طویل المدت با افغانستان است می تواند یک پیام مثبت باشد به این شرط که این کار در بخش نظامی خلاصه نشود.

بایدن گفت که امریکا متعهد به از میان بردن مراکز القاعده است و در این راه با نیروهای افغان همکاری می کند تا آنها مجددا جای پایی در افغانستان نیابند. البته جای این سوال هنوز باقیست که وقتی امریکا و همه کشورهای عضو ناتو در مدت ده سال قادر به چنین کاری نشدند، چگونه می توان امید داشت که نیروهای افغان فقط با کمک امریکا از راه دور به این هدف نایل آیند؟

تاکید امریکایی ها بر اینکه می خواهند با افغانستان یک پیمان استراتژیک طویل المدت داشته باشند، گاهی در افغانستان چنین تعبیر می شود که امریکا خواهان داشتن پایگاه در افغانستان است. در سفر سناتوران امریکایی این مسئله مطرح شد اما اکنون فرانک روجیرو نمایندهٔ سرپرست امریکا برای افغانستان و پاکستان این مسئله را کاملا رد می کند و می گوید که امریکا نمی خواهد در افغانستان پایگاه داشته باشد.

اگر امریکا واقعا خواهان داشتن پایگاه در افغانستان نیست پس پیمان استراتژیک طویل المدت میان دو کشور به چه معنی خواهد بود و چه مسایلی را شامل خواهد شد؟

در کنفرانس کشورهای عضو ناتو در لزبن این فیصله نهائی شد تا از سال ۲۰۱۱ میلای برنامهٔ سپردن مسوولیت های امنیتی به نیروهای افغان آغاز و در سال ۲۰۱۴ به پایان برسد. این فیصله که در بازنگری استراتژی قصر سفید در افغانستان نیز اعلام گردید روی این نکته تاکید دارد که برای موفقیت این پروسه باید نیروهای نظامی و انتظامی افغان به سلاح های مدرن مجهز گردیده و ظرفیت محاربوی و رزمی این نیروها افزایش یابد. برای این منظور هزاران تن از مربیان خارجی از کشورهای مختلف به افغانستان آمده اند.

اما سوال اینست که نیروهای رزمی افغانستان تا سال ۲۰۱۴ توان آن را خواهند یافت تا مسوولیتی چنین بزرگ را به دوش گرفته و از عهدهٔ آن به خوبی بدر آیند؟ بعضی از تحلیلگران مسایل نظامی در این مورد ابراز شک می کنند. این شک نه تنها توسط افغان ها ابراز می شود بلکه نظامیان خارجی نیز اکثرا در این مورد قابلیت این نیروها ابراز تردید کرده اند به عنوان مثال در اوایل سال ۲۰۱۰ مجلهٔ اکونومیست از قول ویلیام کالدویل جنرال سه ستارهٔ امریکایی که مسوولیت آموزش و تجهیز اردوی ملی افغانستان را به عهده دارد نوشته بود که باید تمام امور اردو و پولیس ملی افغانستان سراز نو تنظیم گردد زیرا برنامه های آموزشی کنونی این نیروها موثر نیستند.

کالدویل گفته بود که در تشکیل اردوی ملی افغانستان نسبت به کیفیت به کمیت بیشتر توجه شده است و این عمل (وحشتناک) می باشد. وی گفته بود براساس برنامهٔ قبلی برای تعلیم و تربیهٔ اردوی ملی افغانستان برای هر ۸۰ سرباز یک مربی در نظر گرفته شده بود اما اکنون برای هر ۴۶۶ سرباز یک مربی وجود دارد.

اما وزارت دفاع افغانستان در این مورد ابراز خوشبینی می کند. جنرال ظاهر عظیمی سخنگوی وزارت دفاع افغانستان در میزگردی در شبکهٔ طلوع نیوز گفت که آمورس نیروهای افغان در طی یکسال گذشته به مراتب بهتر شده و امروز توان آنرا یافته است تا به صورت مستقل دست به عملیات نظامی بزنند. وی گفت که امروز همان سلاح های را نیروهای امریکایی در جنگ در اختیار دارند، نیروهای افغان نیز به آن مسلح اند. البته این سلاح ها از نوع اسلحهٔ سبک و نیمه سنگین اند و نیروهای ما هنوز هم نیاز به سلاح های سنگین دارند.

وی گفت که نیروهای مسلح افغان نیاز به نیروی هوایی دارند و قرار وعده، در این بخش نیز توجه صورت گیرد و تا سال ۲۰۱۴ نیروهای افغان به نیروی هوایی نیز مجهز گردند. این کار هنوز صورت نگرفته و اگر به آن توجه نشود، نمی توان گفت که افغانستان برخوردار از یک اردوی کامل است. تا کنون نیروی هوایی اردوی ملی فقط تعدادی طیارات باربری و هلی کوپتر در اختیار دارد.

کالدویل، بیسوادی سربازان اردوی ملی را مشکل دیگری می داند که مانع آموزش موثر آنهاست. اما وزارت دفاع افغانستان می گوید که کورس های سواد آموزی برای این سربازان به میان آمده که توانسته این مشکل را تا حد زیادی از میان بردارد.

در عین حال سخنگوی وزارت داخلهٔ افغانستان در مورد وضع نیروهای پولیس ملی افغان در طی سال گذشته گفت که تلفات این نیروها در سال ۲۰۱۰ در مقایسه با سال قبل کاهش یافته و این خود نمایانگر بهتر شدن آموزش این نیروهاست که توان رزمی بهتری یافته اند.

یکی از نگرانی های دیگر در مورد پولیس ملی افغان وجود اعتیاد در میان آنهاست. اما اکنون سخنگوی وزارت داخله می گویند که یک هزار و پنجصد تن از منصوبین پولیس که معتاد به مواد مخدر بودند، معالجه شده اند و اکنون چنین مشکلی در میان نیست.

در مورد کمیت نیروها به گفتهٔ سخنگوی وزارت دفاع، اکنون تعداد نیروهای مسلح افغان به بیش از یکصد وچهل هزار نفر رسیده است. شصت درصد از سربازان تجدید قرارداد کرده اند که این به معنی ارتقای ظرفیت نیروهایی است که آمادهٔ جنگ اند. وی فرار سربازان از اردوی ملی را در حدی نمی داند که موجب نگرانی باشد. با وجود رد این ادعا از جانب مسوولین وزارت دفاع، مواردی از بد رفتاری بر بنیاد قومی نیز در اردوی ملی دیده شده که به فرار سربازان منجر شده است.

از جانب دیگر کشورهای مختلف با اعزام استادان جدید، تلاش نموده اند تا آموزش سربازان اردوی ملی را ارتقا بخشند از آن جمله کشور هالیند که قبلا سربازان خود را از افغانستان بیرون کرد اما اکنون با اعزام یک تیم از آموزگاران، می خواهد سطح آموزش سربازان افغان را ارتقا بخشد.

اما افسران افغان در سطوح پائین به اندازهٔ جنرال عظیمی خوشبین به نظر نمی رسند. بعضی از این افراد می گویند که آموزش نیروهای افغان هماهنگ نیست. هر کشور خارجی بر بنیاد معیارهای خود به آموزش نیروها مصروف است که در آینده عملیات منظم قطعات مختلف را با دشواری مواجه خواهد ساخت.

اگر بخواهیم در مورد توانمندی نیروهای افغان پس از بدوش گرفتن کامل ماموریت یک پیشبینی مشخص داشته باشیم بسیاری از افغان ها به این باور اند که خارجی ها برای همیشه نمی توانند از ما دفاع نمایند و سرانجام باید آنروز فرا برسد که این وظیفه را خود ما افغان ها به دوش بگیریم. بدوش گرفتن این وظیفهٔ مهم می تواند اعتماد به نفس در نیروهای افغان را تقویت نماید و دفاع از کشور را که امروز نوعی حمایت از حضور خارجی ها در افغانستان تلقی می شود، به یک وظیفهٔ ملی و میهنی مبدل سازد.

رفیق بحر

دپاکستان اوسنی سیاسي وضیعت، او دغه هیواد ته د جوبایډن سفر



دامریکامرستیال ولسمشر په تیره اونۍ کې دسیمې دواړو هیوادونو: هریو افغانستان او پاکستان ته په یو نااعلان شوي سفرسره راغی: چې لومړي یې په افغانستان کې له ولسمشر حامد کرزی سره لیدنه ترسره شوه او یو گډمطبوعاتي کنفرانس ته یې وینا هم وکړه او بیا وریسې گاونډي هیواد پاکستان ته هم دچهارشنبې په ورځ ولاړ.

نوموړی لوړ پوړي امریکایې چارواکي پاکستان ته د رسیدو سره سم لومړی دغه هیواد ولسمشر آصف علی زرداري اولومړي وزیرسید یوسف رضاء گیلانی سره وکتل او بیا وریسې یې دپاکستان لوې درستیز جنرال اشفاق کیانی سره هم وکتل.

د پاکستاني چارواکو سره د لیدني پر مهال ((جوبایډن)) له هغوې څخه هغه غوښتنه بیاتکرار کړه چې د ((اوباما)) واك له رسیدلو وروسته دامریکا دهیواد د نوې استراتیژۍ مهمه برخه جوړوي چې باید د پاکستان جکومت په قبایلي سیموکې اوریکو باندې خپل پیل کړي عملیات تیزکړي او په خپله کړې وعده باندې له اخلاص څخه کار واخلي.

دنوموړي پاکستان ته وروستی سفر پداسې شرایطوکې ترسره کیږي چې د پاکستان هیواد له یوې خوا له سختو گواښونو سره مخ دی: ځکه پدې هیوادکې د ببو د لوړوالي لامله په واکمن گوند باندې داپوزیسون گوندونو فشار زیات شوی اوله بلې خوا د دغه هیواد دپنجاب آیالت والي ((سلیمان تاثیر)) چې یو لبرال اندی والي وو او د خلکو گوند مهم غړی گڼل کیده ـ په رڼا ورځ دخپل محافظ ملك ممتازحسین قادري لخواپدې جرم وژلی شوې چې نوموړي د رسالت دتوهین د قانون مخالف واکمن وو او د پاکستان په گڼو حلقوکې د قاتل دغه عمل او جرات وستایلی شو، ان تردې چې محکمې ته د وړل کېدو پرمهال ورته هم گلونه پر غاړه اچولی شوي وو.

همدارنگه د جوبایډن له سفر څخه یوه اونۍ وړاندې دافغانستان دسولې دعالي شورا یو لوړ رتبه پلاوي دغه هیواد ته سفر کړی وو او د پاکستاني چارواکو لخواورته د سولې د هڅو په خواب کې مثبتې وعدې ورکړای شویدي چې پاکستان به هم یوه ورته جرگه جوړه کړي او په گډه به دسولې هڅې گړندۍ کړي چې د پاکستاني چارواکو دغو وعدو په سیمه کې دسولې د راتگ لپاره دسولې د مینه والو هیلې زیاتې کړیدي او پدې هکله نوې هیلې راټوکیدلې دي چې د اسلامی کنفرانس لخوا دسولې د هڅو تجارب او په ترکیه کې د وسله والو مخالفینو لپاره د دفترونو خلاصیدلو په صورت کې د یو آدرس پیداکېدلو سره ښایې دسولې دغه حرکت په مثبت لوري روان او گړندی شي.

خو د جوبایډن له سفر سره سم دلسو ورځو راهیسې د امریکایې بې پیلوټه طیارو د نه بمباړولو لړۍ یو ځل بیا په څلورو توغندیو ورولو سره پیل شوه چې په همدې ورځ د شمالي وزیرستان په میرعلي نومې سیمه کې دحیدر خیلو په کلي کې په یو کور ووریدل. او د څلورو تنو د وژل کېدو لامل شو. چې د روان میلادي کال راهیسې دا شپږم برید وو او له دې څخه مخکې په تیرو پنځو بریدونو کې هم نولس کسان وژل شوي وو.

دا پداسې حال کې ده چې پاکستان په شپږو قبایلي سیموکې د اوریکو پرخلاف له اوږدې مودې راهیسې عملیات پیل کړیدي او هغو اوو میلیاردو ډالرو لپاره ـ چې دامریکا حکومت پاکستان ته د پنځوکلونو په دوران کې ورکوي ـ وخت ناوخته دامریکا حکومت ته دا ثابتوي چې دوې د اوریکو پرخلاف عملیاتوکې مخلص دي او څو وکولاې شي دامریکایانو روانه کړې استراتیژۍ سره ځان همغږي وښایې.

خو هغه څه چې تجربو وښوده هغه داده چې په سیمه کې روانه جگړه د حل لیارنده: ځکه دسیمې دواړه لوري میشت قومونه په جگړو نه ایلې کیږي بلکې په جرگو ماتیږي او که چېرې جگړې دحل لیار واې: لکه چې امریکایې استرتیژۍ خپلې کړیدي نو باید چې اوس د وسله والو مخالفینو او اوریکو شمیر ختم شوی واې. پداسې حال کې چې دهغوې قوت له یوې ورځې څخه بلې ته پیاوړی کیږي اوډیریږي.

نو هغه څه چې پکار دي باید چې د سیمې دواړه هیوادونه او ورسره نړیواله ټولنه ددې هڅه وکړي چې د (په زورکلي نه کیږي) کلتورخپل کړي او داسې تگ لیارې غوره کړي چې دسولې دعالي شورا دهڅو سره همغږې وې نه دا چې هغې هڅې سبوتاژ کړي او پرمخ یې خنډونه را ولاړکړي. اوس چې د سولې هلو خلو یو څه رنگ اخستی او پدې لړکې څه وړاندې تگ هم شویدي نوبایدد سیمې د دوارو هیوادونو او نړیوالې ټولنې کړنې او پالیسې له یو بل سره همغږې ولري او دغه مسؤلیت له ټولو زیات د پاکستان چارواکو ته راجع دی: ځکه دا اوس له هیچا څخه پټه نده چې دروانې جگړې یو لورې چې د افغانستان ددولت د مخالفینو اوریکو لوری دی د پاکستان هر اړخیز ملاتړ ورته حاصل دی نو باید چې د هغوې غوښتنو د راجوتیدو په لړکې په څغر ده اوسپینه توگه خبری وشي: ځکه پاکستان ته دسولې دعالي شورا دپلاوي په تگ سره په حقیقت کې توپ د پاکستان گول ته غورځولی شویدی نو باید چې په ځواب مینځ ته راشي څو هغه عوامل را څرگند شي چې په سیمه کې د روانی جگړې تر شا وجود لري او د جگړې د ختمولو لپاره یې له مینځه وړل اړین دي. بیا پداسې شرایطو کې چې د پاکستان حکومت د یو داخلي سیاسي فشار سره هم مخ دی او په ځانگړې توگه پدې تیره اونۍ کې د بلوچستان د لسگونو گوندونو یو گډ اتحاد چې پښتانه او بلوڅ اوسیاسي او مذهبي گڼ گوندونه پکې شامل دي او د پنجاب د برترۍ د مخنیوي هڅې دي دا هم ددې حقیقت څرگندوی دی چې سولې ته نن له هر چا څخه زیاته اړتیا د پاکستان ده.

مباحثی پیرامون دین شناسی تطبیقی

سیری در ادیان رایج جهان

(سید احمد اشرفی)

مصر:

مصری ها یکی از متمدین ترین امت های روی زمین به شمار می روند. اجساد مومیایی شده، کتیبه ها، معابد و آثار باستانی باقی مانده از عصور کهن در سرزمین مصر، مانند بناهای شگفت انگیز اهرام وغیره، حاکی از ایمان عمیق و باور محکم آنان به خدا و عالم آخرت و بقای روح است.

مصریان در گذشته های دور، ارباب انواع و خدایان متعدد، از جمله برخی از حیوانات همچون گربه، تمساح و گوساله را پرستیده اند. همچنان خورشید به عنوان بزرگ ترین و پرشکوه ترین پدیدهٔ طبیعت مورد پرستش و تقدیس آنان بوده است. در مصر خدایان مختلف از حالات و مظاهر مختلف خورشید نمایندگی می کردند. مثلاً خدای صبحدم، خپرع، خدای نیمروز رع و خدای آخر روز آتون بود. همچنان حشره ای به نام جعل یا قانغوزه (= سگین گردان) به عنوان نماینده و مظهر خورشید در زمین شناخته شده و پرستش می گردید.

آنچه گفته شد مربوط به عامهٔ مردم بود اما به طور رسمی، مصریان در آغاز به سه خدای بزرگ باور داشتند که به تدریج تعداد آن ها به نه خدا رسید. خدایان سه گانهٔ آنان عبارت بودند از : اوزیوس، ایزیس و هوروس. اوزیرس که خدای باروری، زراعت و رود نیل بود و در رأس همهٔ خدایان قرار داشت، با خواهرش ایزس که خدای حکمت و قانون و جادو بود، ازدواج کرد. اما برادرش سیت که خدای قحطی و گرسنگی و فساد بود، به برادر رشک برد و او را با غدر و خیانت اختطاف نموده در صندوقی قفل کرده به دریا انداخت. ولی همسر اوزیرس بعد از جستجوی زیاد او را پیدا کرد اما قبل از این که مؤفق به فتح صندوق شود، سیت حمله کرده صندوق را به چنگ آورد و برادر خود را به تعداد مناطق مصر، هفتادودو قطعه کرد و هر قطعه را در یک منطقه پراگنده نمود. ایزیس به خاطر وفاداری نسبت به شوهرش، با شجاعت و جدیت همه قطعات متلاشی شدهٔ مقتول را جمع آوری نموده با خواندن اوراد و طلسم های خاص، زنده گی را به وی باز گردانید. اما اوزیرس پس از زنده شدن، دیری نپایید، و بعد از این که یگانه فرزندش هوروس متولد شد، از این جهان رخت بر بست و به جهان دیگر در زیر زمین کوچ کرد تا در آنجا داوری در بارهٔ مردگان را برعهده گیرد.

جنگ و دعوا میان هوروس و عمویش سیت ادامه یافت. سیت نسبت فرزندی هوروس به برادرش را انکار می کرد و ادعا داشت که تنها وارث تخت و تاج برادرش اوست. دعوا به دادگاه خدایان کشانده شد و ایزیس، مادر هوروس در دادگاه حضور یافت و از آبروی فرزند قانونی خویش سرسختانه دفاع کرد. بالآخره دادگاه براساس گواهی یکی از خدایان به نام توت به حقانیت هوروس فیصله کرد. اما سیت فیصلهٔ دادگاه را نپذیرفت و نزاع میان او و برادرزاده اش استمرار پیدا کرد. و پس از آن هوروس به عنوان خدای تولید، تعمیر و آبادی نقش بازی کرد و سیت بر ضد آن به حیث خدای تخریب، ویرانگری و فساد انگیزی ایفای وظیفه نمود.

کشمکش این دو خدا در آسمان، در زمین نیز تأثیر منفی گذاشت، و سرزمین مصر تحت قیادت دو زمامدار که هر کدام ادعای نماینده گی از یکی از آن ها را داشت به دو بخش علیا و سفلی تقسیم شده، سال های متمادی میان این دو بخش جنگ بود تا این که مینای اول فرعون مصر شد، و هر دو بخش مصر را زیر فرماندهی خود جمع نمود و ادعا کرد که روح که مسألهٔ الوهیت فرعون آغاز گردید. و چون ادعای خدایی که مستلزم بقا و جاودانگی است با مردن و فنای جسم تناقض داشت. این سوال در اذهان مطرح گردید که چگونه فرعون خداست که می میرد، لهذا برای حل این پارادوکس، این عقیده به وجود آمد که اگر جسم پس از مرگ، سالم بماند، روح ارتباط خود را با آن نگاه می دارد. و برای این که اجساد فراعنه سالم بماند، فن مومیایی کردن اجساد را اختراع کردند و آن بناهای پرشکوه اهرام را ـ برای نگه داری اجساد مومیا شده ـ پی ریختند.

شایان ذکر است که در پهلوی شرک و چند خدائی، توحید یا عقیده به خدای یگانه در برخی از مراحل تاریخی مصر و در میان تعدادی از افراد آن ملت، نیز وجود داشته است که غالبا متاثر از دعوت های توحیدی حضرت ابراهیم، یوسف و موسی علیهم السلام بوده است. از جملهٔ موحدین مشهور تاریخ مصر اخناتون، یکی از فراعنهٔ مصر است که تنها به یک، خدای به نام آتون عقیده داشت.

از مصریان قدیم کتابی بجای مانده به نام کتاب مردگان که به باور آنان توسط یکی از خدایان تألیف گردیده است. این کتاب علاوه بر مجموعه ای از فضائل و مکارم اخلاقی، ادعیه، اوراد، تعویذات و جادو، مشتمل است بر آداب و ترتیبات ورود به دادگاه پس از مرگ و تعلیم پاسخ های درست و مناسب در برابر آن دادگاه.

به پیشباز رهیدگی...!

۲

ع- ملکزاد



تذکری مقدمتر از اصل بحث:

کوله بار سفر بر دوش است: با ورود به شهر سرود خوانانِ رهیدگی، بایست بیچ و خم منازلی را بیمود، تا آنجا که بتوان ویزای دخول به «گسترهٔ ادب حماسی» را دریافت. حینی که در شهر شور افگنان ره یافتی، با تمام شوق می نیوشی که چه نغمه های دلکشی برلب ها جاریست و چه همهمه ها وغوغاهایی درآن طاری، که به حق ؛

سوز و مستی نقشبند عالمی است
شاعری بی سوزومستی ماتمی است

و آنجا سخن گستران، سازِ یک سوژه دلنواز را مترنّم اند: «آزادی»! و من با شوق تمام می نگرم که دریای آزادی در پیش رو است ومی غُرّد، دریای خروشانی که مرا نیز درجمع تماشاگران فرا می خواند، تا دل به امواجش بسپارم وهمنوا با وی : بانگ برآرم:

" بر استان اسارت نمی نهم گردن
گر آفتاب ببوسد زمین طاعت من "

و باور نمایم که بی «آزادی» زندگی زشت وغمبار و شرم آور است و « او» را هیچ قدرتی - حتی اگر خوب ترین و پاک ترین قدرتمندان و دولتمردان تاریخ هم باشند- هدیهٔ مان نمی کنند. چرا که دیگر همه می دانند « آزادی» دادنی نیست گرفتنی است؛ پس بگیریمش.»

***

یکی از دردناکترین اسارتها، اسارت روح درغربت است

یکی از سخت ترین عذاب ها، کشنده ترین شکنجه ها، و دردناکترین رنج ها، زمانی است که آدمی در بند غربت افتاده باشد.

ممکن است برای بسیاری از خوانندگان این سوال مطرح گردد، انسان، رنج غربت و بیوطنی و ترک یار و دیار را به خاطر آن بر خود پذیرا می شود که، ظلم وجنایت وتجاوز و شکنجه های دژخیمان حاکم در کشورش را نمی تواند برتابد،آنگاه مجبوراست تن به هجرت در دهد!

پاسخ منطقی برای پرسش فوق این خواهد بود که:

آری! اکثر کسانی که تن برای آواره شدن داده اند، به دلیل نجات از خطراتی بوده که متوجه جان شیرین ایشان و اعضای خانواده آنان گردیده، نا گریر به مصداق این بیت ابوالمعانی عبدالقادر بیدل(رح):

وطن گر مایهٔ افسردن است آوارگی بهتر
ز نومیدی گداز سنگ می خواهد شرار او-

به سرزمین دیگران پناه برده اند.

قرآن عظیم الشان می فرماید:

« ای بندگان مؤمن من ! زمین من بسیارگسترده است، تنها مرا بندگی نمایید.»

با الهام ازهمین ارشاد کلام ربانی- درسورهٔ مبارکهٔ (عنکبوت/ ۵۶)- یکتن ازسخن پردازان در عربی سروده است:

بلاد الله واسعه قضاها
و رزق الله فی الدنیا فسیحٌ
فقل للقاعدین علی هوانٍ
اذا ضاقت بکم ارضٌ فسیحوا!

باید افزود که :هجرت در راه خدا ودعوت مردم براساس " حکمت وموعظهٔ حسنه" وتن به آوارگی دادن به رغبت ورضا را، نمی توان یکسان شمرد.

هرگاه هجرت دراین سرزمین ها، خصوصاً کشورهای غربی- چنانچه دکتریوسف قرضاوی برآنست- جهت ابلاغ ورسانیدن صدای اسلام به گوش دیگران وراه اندازی دعوت ازطریق گفتگو ومباحثه و ارائهٔ الگوباشد ویا به خاطر پاسخگویی به نیازمندی های مردم وبه منظور رهایی بخشی ازبی اطلاعی آنها، صورت گیرد ویا به هدف دعوت برای مصالحه درجهت رفع اختلاف توأم به جهت مصئون سازی خانواده ها ازدوب شدن به فرهنگ دیگران وهدف قرارگرفتن در راه ایمان واسلام باشد... از جملهٔ ضروریات به شمار می رود.

موضوعی که اشاره شد، باکسوت بحث فقهی آراسته است که تفصیلش را به زمان دیگری موکول می سازیم.

اما بحث زیرین، یک بحث اجتماعی – فرهنگی است؛ ضمن اینکه شمه ای از واقعیت های تلخ زندگی در دیارغربت ار ارائه می دارد که بدبختانه دامنگیر عده ای ازپناهندگان بیچاره شده است. واینک ما با اتکا به روایات ونقل قول هایی می خواهیم، درد دل آنها را،درقالب جستاری- ادبی ارائه دهیم، تا مزید به بر پیشکش شدن یک سلسله معلومات برای خواندگان ونکته هایی درخورِ فراگیری، عبرتی باشد برای آنعده ازکسانی که خواستار پناهنده شدن به اروپا وغرب وترک آغوشِ پرمهرِمادرِ وطن هستند!

با تأسف باید گفت، کم نیستند تعداد خانواده ها و جوانانی که عمدتاً به دلیل داشتن مشکلات اقتصادی، رؤیای رسیدن به آنسوها را بی تابانه به سرمی پرورند و برای تحقق این آرمان، حاضرند هزارگونه رنج ودردسرهای جانفرسا،ازآنجمله تحمل بارکمرشکن قرضداری را به جان بخرند، تا توانسته باشند به هدف نهایی، یعنی رسیدن به یکی ازکشورهای موردنظر نایل آیند!

با تاثر و دریغ باید افزود: اکثر اینها اطلاع ندارند که در میسر اراده و تصمیمی که اتخاذ کرده اند مغیلان هزارگونه خطر و ریسک هموار می باشد. از آن جمله – طوری که نگارنده در زمان مأموریت درترکیه شاهد بوده- یکی این می باشد که بسا اتفاق افتاده، کشتی حامل پناهجویان غیرقانونی که به وسیله قاچاقبران انسان انتقال می یابند، به خطراتی نظیرغرق شدن به اعماق ابحاربیکران مواجه گشته ویا دراثنای عبوراز مرزها، توسط پاسبانان مرزی دستگیرشده و گروه بی شماری از این دسته سالها بدون سرنوشت در کنج زندان ها می افتند!

بناءً بسیار دشواراست که بتوان امیدی برای رسیدن به سرزمین مقصود بست و بعد همزمان با ورود شانس پذیرفته شدن را حاصل نمود!

این یک طرف قضیه است. حالا به اصل موضوع وارد می شویم و آن اینکه:

زمانی که کسی پناهنده شد، صفحات جدیدی ازمشکلات وبدبختی ها در برابرش کشوده می شود، ازجمله: چندین سال بیهم نیاز دارد تا به کاری (که بسیارثقیل وکمرشکن خواهد بود) اشتغال ورزد وازاین طریق بتواند قامت خود را از زیربارسنگین قرضداری وپول هنگفتی که برای قاچاقبر پرداخته، راست بسازد. البته آنهم به سهولت میسرنیست! متعاقب آن زمینهٔ گروگان افتادنش به بانک های اعتباری فرا می رسد؛ معضله ای که تقریباً همهٔ آوارگان درقیدِآن قرار دارند وازپی آن، بحران های اساسی دیگرش آغاز می یابد؛ بروزمعضلات واتفاقات ناگوار دیگری چون مقابل شدن با بحران هویت، فرهنگ های بیگانه ومبتذل، ارزش ستیزی ها، تضادهای فکری وعقیدتی، نیافتن همدم وهمدل، بی عزت شدن، بیکس شدن وده ها بدبختی دیگر، در ردیف مشکلات دیگرش خواهد بود. مسأله افتادن در زندان بیماری های روانی را می توان در رأس آنها قرار داد، که عمدتاً از مسایلی چون: تنهایی و کس نپرسی وذلیل شدن، وپروبلم های خانوادگی منشاء می گیرد...! پروبلم هایی که سوگمندانه باید گفت: باعث بروز درد انگیزترین وتوانکاه ترین بدبختی ها، ازجمله نزاع های دوامدار، گسستن شیرازه های زندگی وبرهم خوردن مناسبات فامیلی وافتادن درکنج زندانها می شود وحتی حوادث چنان تلخ وبه بُن می کشد که برخی از افراد به خصوص سرپرست های خانواده ها چاره ای جز این نمی بینند که دست به خود کشی وانتحار بزنند.

مشکلاتی که به باورمن، اگرانسان درسرزمین آبایی خود زندگی به سر بَرد وبا قوت لایموتی بسازد، کمتربا آنها مواجه خواهد گشت وآبرو وحیثیتش به آن پیمانه لطمه نخواهد دید.

بنا به آنچه اشاره شد، امیدوارم خوانندهٔ عزیز، متنی را که در زیرمطالعه می کند، مبالغه آمیزتلقی نکند و برمن خورده نگیرد. زیرا، وقتی که کاریک انسان بیچاره ویا هموطنی، از نهایت مجبوری به سرحد رضائیت دادن به خودکشی برسد ونویسنده ای وظیفهٔ خود بداند از زبان او غمنامه بنویسد وازانزجارش راجع به غربت وبیچارگی سخن برزبان آرد ، انتظار نباید داشت که لحن صحبتش آمیخته با تمجید وستایش ازچنین سرزمین هایی باشد، سرزمین هایی که آگنده ازصدها دشواری وبحران وضد ارزش های اسلامی، انسانی و اخلاقی است.

بناءً نوشته زیرین، تنها کلام عاطفی من نه، بلکه عرض حال تیپ وسیعی ازآوارگان بیچاره وبحرانزده است که حتی آبرومندانه ترین کار را برای خود، خود کشی به حساب می آرند. هرچند به کاری که متوسل می گردند، ازنظر شرعی حرام است.

آری، حال بسیاری ازبیوطنان ما را اینگونه تعریف می کنند: افتادگانی درمیان سلول های وحشتناک اضطرابات روحی و نگرانی های ازپای افگن که درپهلوی درد بیوطنی ، زنجیرهای دیگری درپای شان افتاده و آنها را درکنج قفسی آهنین افگنده است وکوله بارسنگین رنج و ذلت و خواری و مصایب آنان را وا دارش می سازد تا فریاد سردهند وآوای درد اندود شان به طارم گردون پیچد:

ذلت کش هزار خیالیم و چاره نیست
لعنت به وضع دور ز دلدار زیستن!

امروز بیش از هفتاد در صد از آوارگان، خصوصاً آنانی که درسنین بالا و یا فرا تراز پلهٔ چهلم عمرخود قراردارند، این درد طاقت فرسا (درد زندان غربت) را، با گوشت و پوست و استخوان شان لمس می کنند!

عوامل گرفتای در چنگ اختاپوت اضطراب و نا راحتی های جانکاه روانی- چنانچه دربالا ضمنی اشاره داشتیم- فراوان اند:

یکی بینی دیوانه وار، چنان پی انیس ومصاحبی سرگردان است و تشنه لب، دنبال یافتن جرعه ای ازساغرصحبت ودلجویی می باشد که میسر شدن چنین نعمت را بالا تر ازهر نعمت گرانقیمت دیگر می داند!

آری، آوارگی برای بسیاری ها، صحنه های جانسوز و دلخراشی می آفرینند. از دید انسان بیوطن ، در دیارغربت، فضا را طوری هوای مسموم فتنه مسخر کرده و با زهرکشندهٔ گرفتاری ها و بی مهری ها و از هم گسستن ها وبحران ها، آلوده ساخته اند که قادر نمی شوی نفسی به راحتی بکشی وبی درد سر آب از گلو فرو بری!

آنجا، معنویت را به مسلخ کشانیده اند، انسانیت را به دار بالا برده اند، تا دیگر موجودیتش را شاهد نباشند...!

اخلاق، مردی، مردانگی، کرامت و عزت، احترام به ارزش و...، کشتزار هایی اند سوخته، و لجام گسیختگی ها و شرو فساد، شعله های سرکش وهستی سوزی اند که به هر سو افروخته شده، وچه جان های شریفی که در میان آنها می سوزند!

هرگاه گذاربه آنسوها افتاد،یقینت می شود، بیدارگر شرق: اقبال را رویشِ ناله در دل، ناشی از آگاهی از چنین فضا و هوا است که به شکوه کردنش وا داشته :

چه عصرست این که دین فریادی اوست
هزاران بند در آزادی اوست
ز روی آدمیت رنگ و نم برد
غلط نقشی که از بهزادی اوست!

آنجا- در دیارغربت - هر چندعلی الظاهر، ازبند آزادی ، زنجیری در پایت نیست، به هر سو که دیده بر می دوزی، نقش هایی می بینی فریبنده، قصر ها و کاخ هایی سر به فلک افراشته ، باغ ها، خیابان ها و پارک های تفریحی و...ظاهراً خیلی پاک وتمیز که دیدگانت را سخت به خود خیره می سازند...، اما کم اند چشم هایی که آنسوی واقعیت های تلخ و سم آلود را بتوانند تماشا بکنند...!

فکر نمی کنم آنهایی که بنابرهر دلیل – چه به اساس معاذیر اقتصادی وچه به موجب مشکلات سیاسی ویا سیاحتی- به آنجاها رفته باشند، به رد گفته های من بپردازند. به باورمن، چنین مشکلات به صورت دقیق وعمیق، ازدیدگاه ارباب احساس و ژرف اندیش دمی پوشیده نیست. آری، اینها می دانند که در دامان چنین خطه های به ظاهر نظیف، اما آلوده و درآغوش چنین سرزمین های به ظاهرآرامش بخش، اما معنویت ستیزو بحران خیز، چه اتفاقاتی می افتد؟ واینها آگاهند وضع درغربت غرب، همانست که بیدل دراین مصرع شعرخود به تعرف آن پرداخته:

گلشن هوا ندارد، صحرا فضا ندارد

معنی نظران، نسبت به دیگران بهترمی دانند که منظور بیدل از" هوا " و" فضا" درآن مصرع چیست؟

(ادامه در شمارهٔ آینده)

صلح، آرزو، نیاز و ضرورت...

استاد تصریح کرد که ناتو و امریکا در جنگ سختی گرفتار شده اند، اکنون خواست آنان نیز این می باشد که برای قطع جنگ راه دیگری غیر از جنگ را جستجو نمایند.

استاد در پاسخ به سوال خبرنگاران گفت: تلاش های صلح ابتکار خود افغان هاست، اما همکاری کشورهای نزدیک در قضیه افغانستان یک امر حتمی بوده و نباید کشور سومی از ندای صلح خواهانهٔ ما بیم و هراس داشته باشد. (اشاره به نگرانی هند)

استاد تصریح کرد که هیچ کس نباید از صلح بترسد، بلکه ترس وهراس از جنگ باشد که تباهی را در منطقهٔ ما به بار آورده است.

برخی ها نگران آن اند که گویا تلاش های صلح نوعی معاملهٔ سیاسی می باشد، اما استاد ربانی در کنفرانس خبری تصریح کرد که صلح آرزو، نیاز و ضرورت کنونی و فردای افغانستان می باشد.

او با اشاره به این که طرف های درگیر را جنگ خسته نموده است افزود که، اطراف درگیر جز صلح دیگر راهی در پیش رو ندارند.

طی این سفر هیأت شورای عالی صلح از موضوع زندانیان افغانستان که در پاکستان در توقیف قرار دارند نیز با جانب پاکستانی صحبت نموده و از آنها خواستند تمام آن ها را به دولت جمهوری اسلامی افغانستان بسپارند.

به گفته یک مقام دیگر، این هیأت در مورد توافقاتی که چندی پیش به منظور توسعهٔ تجارت، ترانزیت به نام های (اپتا و تاپی) به امضا رسیده بود، در این سفر صحبت هایی نیز صورت گرفته است.

قیام الدین کشاف سخنگوی این شورا تصریح کرد که به جانب پاکستانی خاطر نشان ساختیم که دیگر مردم افغانستان نمی خواهند حوادث دههٔ ۹۰ در کشور تکرار گردد و از جانب پاکستان خواستیم صادقانه با نهادهای ملی افغانستان همکاری نماید.

درملاقات های دو جانبه وضعیت مهاجرین در پاکستان نیز به بررسی گرفته شد، ضمن قدردانی از میزبانی جانب پاکستان برای مدت طولانی، از مقامات آن کشور خواستار همکاری جهت حل مشکلات مهاجرین افغانستان گردید.

شورای عالی صلح به اساس تصمیم جرگه ملی مشورتی صلح در جوزای سال روان تأسیس گردید و هدف از ایجاد این شوری تأمین صلح عادلانه ختم جنگ و ثبات دایمی در کشور می باشد.

مشارکت شهروندان در دموکراسی

نصرالله حاذق دانشجوی دانشگاه البیرونی

دو رویکرد جدا ازهم در خصوصی ارتباط آزادی و دموکراسی در میان متفکران لیبرالی رواج دارد: گروهی از انان ارتباط محکم و ناگسستنی دموکراسی و ازدی های فردی و به خصوص آزادی بیان را متذکر شده اند. و در عین حال گروهی دیگر به سختی بر این باور حمله کرده اند؛ زیرا روشن است از حکومت اکثریت امید چندانی برای آزادی داشته باشد. و به لحاظ تاریخی می دانیم که بارها ازحمایت آن کوتاهی نموده و در همه حال به اصول خاص خود وفادار مانده است.

"برلین" سر انجام هرگونه ارتباطی در بین آزادی و دموکراسی را با این استدلال که اولی می خواهد جلوی قدرت را از ان رو که قدرت است، بگیرد و دومی بر ان است تا قدرت را در قبضهٔ خویش در آورد، این مسئله یی است، رد می کند.

کارل کوهن معتقد است که دموکراسی ناچار است، از ازادی بیان به عنوان شرط تحقق و دوام خود پاسداری کند، دموکراسی یعنی حکومت از طریق مشارکت حکومت شوندگان، مشارکت در تصمیم گیری، فعالیت مشترک فکری را اقتضا می کند. ازاین رو مطرح ساختن این ها شرط فرایند دموکراتیک به شمار می رود. هر قدر در روند دموکراسی شاخص های فوق ضعیف و متروک باقی بمانند، نتایج آن معیوب وعقیم خواهد بود.

در نظام های دموکراتیک به ازادی بیان نیاز و ضرورت است و باید آن را در ساختار یا سازوارهٔ جامعه نهادینه ساخت. ازادی بیان شرط مبتنی بر قانون اساسی در نظام دموکراسی است.

اپینوزا معتقد است که باید بین گفتار و رفتار فرق قائل شد نه بین گفتار و اندیشه، انسان ها آن چه می اندیشند به زبان نمی آورند، کتمان حقیقت در نظام های دموکراسی به یک قاعدهٔ سیاسی تبدیل می شود.

آزادی بیان به آدمیان اجازه می دهد که به وسیلهٔ برخورد عقاید و یا تحقق بخشیدن اهداف دولت ها را وادار به تمکین کند.

ازاد اندیشی در نظام های دموکرتیک به عنوان شرط اساسی سیاست نمایان می شود. در دموکراسی رژیمی را ایجاب می نماید که شهروندان در آن رژیم به طور جمعی حاکمیت داشته باشند. دموکراسی شکلی از حکومت است که بهتر از هر نوع حکومت دیگر اهداف مورد نظر حکومت داری را براورده می سازد. نخستین گرایش مسئله دموکراسی سیاسی را اساس تأسیس جامعه جدید می دانند و قرائتی که دموکراسی از مدرنیته دارد نوعی گرایش، با جامعهٔ مدرن است.

پدیده ها در جوامع مدرن با ماهیت متعالی تر و از لحاظ اجتماعی و شاید هم فرهنگی اصیل تر از جامعهٔ فرد محور می باشد. در این نوع نظام حوزهٔ عمومی را فضایی می دانند که در ان شهروندان از طریق گفت و گو و فرهیخته شدن به بلوغ فکری می رسد و می اموزند که خود فکر کنند و به سرنوشت خود حاکم اند. مردم از طریق مشارکت در حوزهٔ عمومی سرنوشت سیاسی خود را تعیین می کنند. حوزهٔ عمومی افراد را بدون توجه به تمایزات طبقاتی و جایگاه اجتماعی شان در ادارهٔ امور جامعه دخالت می دهد. حوزه عمومی بیانگر دموکراسی درجوامع بورژوایی اروپایی بوده است. کار کرد اصلی حوزهٔ عمومی محدود کردن قدرت دولت است. جلسات ادبی و فرهنگی و رسانه های گروهی و مکان های عمومی مثل دانشگاه ها و پارک ها و قهوه خانه ها و ... را از جمله نهادهای حوزهٔ عمومی می دانند. هر نوع تلاشی در جهت کم رنگ کردن تمایز حوزهٔ و حوزهٔ خصوصی پیامد های خطرناک خواهد داشت و حتماً استقلال فردی و ازادی بیان و سلیقهٔ فردی را سرکوب خواهد کرد. بنابراین نظام دموکراسی با تمایز میان این دو حوزه و نیز تمایزمیان حوزهٔ دولت و جامعهٔ مدنی و با مشارکت دادن شهروندان اعم از اقوام و قبایل بدون در نظر گرفتن تعصبات قومی، نژادی و مذهبی در حصهٔ ساختار و تعیین خط مش اجتماعی و سیاسی نقش کلیدی و اساسی را دارا می باشد. از تئوری های فوق چنین استنباط می شود که زمان پایه های دموکراسی در یک جامعه دموکراتیک استوار می شود که مشارکت در ساختار جامعه به اساس نفوس صورت گیرد.

متاسفانه در جامعهٔ افغانستان روند دموکراسی گونه های دیگری را به خود اختیار کرده است. اقلیت های که در این کشور زندگی می کنند در تناسب به اکثریت های قومی تعریف این نوع مشارکت را قبول نمی کنند زیرا آن ها احساس می کنند که در جامعهٔ افغانی به موضوعات قومی، نژادی اولویت داده می شود.

رفتار انفعالی حکومت در برابر...

درصورتی که این ادعا ها درست از آب درآید، عملکرد جمهوری اسلامی خلاف تمام موازین حقوقی و انسانی محسوب می گردد. زیرا نفت مال مردم افغانستان بوده و از کشورهای دیگر خریداری نموده اند. بدیهی است که مال دیگران را از ان خود کردن نوعی راهزنی به شمار می رود. توقیف تانکرهای نفتی از سوی ایران به هربهانه ای که باشد، برای مردم افغانستان سنگین تمام شده است.

در این روزها نرخ مواد نفتی در بازار ها بلند رفته، شهروندان از این بابت سخت شکایت دارند.

مسوولان اتاق های تجارت گفته اند گرحکومت در برابرچالش های دولت ایران و پاکستان سکوت اختیار کند، باعث خواهد شد که ضربات سنگین بر تجارت و اقتصاد نوپای کشور وارد شود. درهمین حال تاجران ملی، نگران اند وقتی کشورهای همسایه برخلاف تعهدات خود، عمل کنند، سرنوشت سرمایه های آنها با خطر جدی مواجه خواهد بود.

قربان حقجو رئیس اتاق های تجارت و صنایع افغانستان هفتهٔ گذشته طی نشست خبری درکابل به رسانه ها گفت: ازیک ماه پیش تا به تاکنون ۱۹۰۰ تانکر تیل تاجران افغانستانی که ازکشورهای ترکمنستان، آذربایجان، عراق و کشورهای حوزهٔ خلیج فارس خریداری گردیده بود، درخاک جمهوری اسلامی ایران توقیف داده شده است.

حقجو تصریح کرد اقداماتی این چنینی از سوی همسایه های ما، مردم افغانستان و بازرگانان کشور را نسبت به معاهدات بین المللی و توافقاتی که با کشورهای همسایه امضاء نموده بودیم، بی باورکرده است.

به گفته وی، برخورد جمهوری اسلامی ایران وعدم جدیت لازم حکومت افغانستان دردفاع ازحقوق شهروندان افغانستان، مردم را نسبت به زمانی دیگر حساس ترساخته است.

حقجوگفت: اگرحکومت افغانستان دربرابر چالش های دولت پاکستان و جمهوری اسلامی ایران سکوت اختیارنماید، این باعث خواهد شد که ضربات سنگین برتجارت و اقتصاد نوپای کشور وارد گردد که درآینده جبران نخواهد شد. برخورد های نادرست در برابر اموال تجار افغانستانی نه تنها از سوی ایران بلکه از سوی. پاکستانی ها نیز بالای تجار ما اعمال می گردد.

به گفتهٔ مقامات اتاق های تجارت افغانستان از همین اکنون حدود ۴ هزار کانتینر که حامل کالای تجارتی می باشد در بندر کراچی پاکستان به خاطر عدم دسترسی به ترانزیت توقف داده شده است.

مردم افغانستان که همیشه آسیب های جبران ناپذیر را متقبل شده اند، این باز نیز از حکومت می خواهند موضوع محاصرهٔ اقتصادی را هر چه عاجلتر توسط راهکارهای دیلوماتیک با همسایه ها در میان گذاشته راه حل آن را جستجو نماید.

د طالبانو لپاره د مشخص او څرگند آدرس اړتیا

قنبری

اوس تولوته جوته ده چې طالبان یوڅرگند قوت دی. په دننه او بهرکې پیژندل شوی اوله هغوی سره د خبرواترو لپاره تیاری شته ....

نن د افغانستان دولت او نړیواله ټولنه له طالبانو سره د خبرو اترو لپاره تیاری لری، په وطن کې د سولې جرگې دایرې شوی او اوس هم د سولې د عالي شوراجوړونه ده ...

خو طالبان باید یو مشخص او څرگند آدرس ولري. له هغوی سره باید تیلفوني تماس ونیول شي او همدارنگه تور لست باید ختم کړی شي، ترڅو د هغوی د مسافرت لپاره هم زمینه برابره شي...

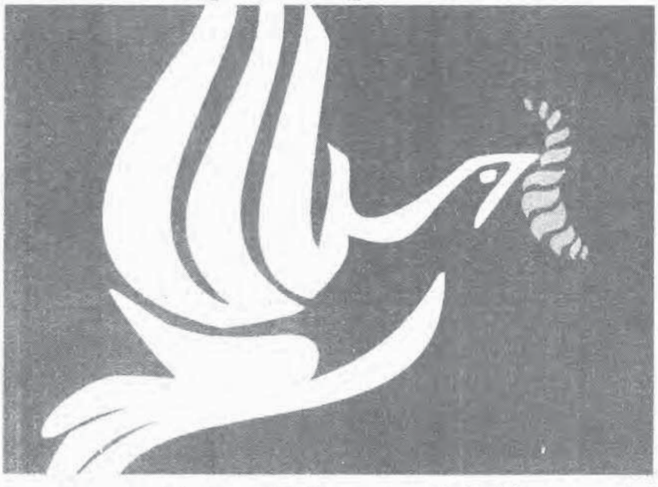
د طالبانو لپاره د پتې او آدرس درلودل، یو ضرورت دی او باید د خبرواترو لپاره امکانات برابرشي او دا پته او آدرس باید په پاکستان او یا کوم بل بهرنی ملک لکه عربستان، امارات او یا ترکیه وي. د افغانستان دولت، نړیواله ټولنه او هم په دننه افغانستان کې ډیر خلک دا غواړي چې طالبان باید یو څرگند آدرس ولری او هرڅومره ژر چې کیدای شي د خبرواترو له لیاری د ستونزی حل پیدا شی

د سعودي عربستان پاچاهی. ټولوته د منلو وړ دي. ځکه چې د ولسمشر له خوا نه هم څو کرته د سعودی د پاچا نوم اخیستل شوی او د هغوی له کوششونو څخه یادونه شوی ده.

ترکیه هم چې نن په اسلامی نړی کی کوم قدر او منزلت لری او په تیره د افغانستان د شخړی د حل کولو لپاره هاند او هڅه کوی. دا هم شاید دواړو خوا ورته د منلو وړ وي او همدارنگه امارات هم چې د سیمی د هیوادونو لپاره د مرکزیت اړه لری. کیدای شی د دی کار لپاره موثر وي

د سولې د عالي شورا هڅې او موجودې نیمګړتیاوې

ن شفیق



تیره اونۍ د سولې د عالي شورا یو لوړ پوړي پلاوي ګاونډي هیواد پاکستان ته سفر وکړ او د خپل سفر پر مهال یې د پاکستان لومړي وزیر سید یوسف رضا ګیلانی، ولسمشر آصف علي زرداري، لوي درستیز جنرال اشفاق کیاني، د سرحد له والي اویس احمد غني او یو شمیر مطرحو شخصیتونو، لکه نواز شریف، قاضي حسین احمد، جنرال حمید ګل، مولانا سمیع الحق، آفتاب احمد شیرپاو او اسفندیار ولي خان سره هم وکتل چې ددې تولو سره د دوې لیدني د اهمیت وړ وي خو د ایې ایس ایي له چارواکو سره او هم د یو شمیر مذهبي مشرانو سره لیدني یې د ځانګړې اهمیت وړ دي: ځکه دا لومړي ځل دی چې د افغانستان د دولت یو لوړ پوړي پلاوي له هغو لوریو سره ګوري چې د افغانستان د فعلي دولت پر خلاف د وسله والو مخالفینو ملاتړي او یا ایډیالوژیك ملګري دي

که څه هم د سولې د عالي شورا د پلاوي په ترکیب کې او یا په مجموع کې د سولې د عالي شورا په عمومي ترکیب کې لاتر اوسه نیمګړتیاوې شته: ځکه چې پدې شورا کې پر ځای ددې چې داسې افغاني څیرې موجودې وای چې که د افغانستان فعلي دولت ته د باور وړ اوسي نو باید چې په عین وخت کې د وسله والو مخالفینو په وړاندې هم د باور وړ وای یعنې د بن د پریکړې په نتیجه کې د راغلي نظام برخه نه وای، یا په بل عبارت د دولت په پوستونو کې بې کار نه وای کړې او تر اوسه یې په خپلو څرګندونو او مواقفو کې یې پرې پالیسۍ غوره کړې وای او یا دا چې ددې شورا په مشرتابه باندې هم چې استاد برهان الدین رباني دی ـ ځینې خلك دا نیوکه کوي چې د طالبانو سره د جګړې د لوري مشرې یې کړې: پداسې حال کې چې دغه نیوکه کوونکي پخپله هغه خلك دي چې د طالبانو د رژیم د رنګولو لپاره دوې هم چمبې وهلي او د امریکا راتګ ته پسخیدل. خو ددې سره سره هم پاکستان ته د سولې د عالي شورا د پلاوي د سفر پر مهال د پاکستان له چارواکو او په ځانګړې توګه له مذهبي مشرانو سره چې په کوم علمي استدلال سره استاد رباني خبرې وکړې او یا ورسره مختلف لوري خبروته راغلل او ورته کښیناستل. لکه د قاضي حسین احمد، مولانا سمیع الحق او جنرال حمید ګل سره د هغوی خبرې: نو دا یې جوته کړه چې د سولې د عالي شورا د مشرتابه د ټاکلو پریکړه پرځای او سمه ده. او ددې خبرې مخالفت یوازې هغه خلك کوي چې د خپلو چپې مفکورو لامله پدې ویره کې دي چې که سوله مینځته راشي نو بیا د دوې سودا څوك په بازار کې نه اخلي: ځکه په نتیجه کې به یې جهادي او اسلامي مفکورې سره نږدې او همغږې شي او د پرونیو هغو چپې څیرو ـ چې چا نن په سینه د پښتو او چا د تاجك او ... د پلوی نښان لګولی ـ هڅې به بابیزه شي او ددې سره به د هغوی اصلي څیره را څرګنده شي

خو هغه څه چې د سولې د حرکت لپاره اړین دي هغه دادي چې د سولې عالي شورا هڅې د زړه له تل څخه اوسي او موخه او هدف اوسي. نه تکتیك او غولول. همدارنګه دغه حرکت باید له یوې ورځې څخه بلې ته ګړندي ګامونه واخلي او د سولې د مذاکراتو په لړ کې باید نور د شف شف څخه تیر شي او هغه لاملونه برښنډ او جوت کړي چې لامله یې په سیمه کې میشت ولسونه په اورکي سوځي او زمونږ خاوره یې د جګړې ډګر ګرځیدلی دی. څو په ریښتوني توګه وکولای شو د نورو جګړې له خپلې خاورې او سیمو څخه لیرې کړو.

همدارنګه اړتیا لیدل کیږي چې د سولې د عالي شورا په وفد کې د هغه څیرو پرځای شي چې طالبان د پخوانی انتماء کارتونه یې اوس هغوی سره باور نلري. داسې پخواني طالب چارواکي ځای پرځای شي چې طالبان ورته د دوې په پرتله په ښه نظر ګوري لکه مولانا ضعیف او مولوي متوکل. او هم د جهادي، سیاسي او علمي څیرو له مینځه داسې خلك په شورا کې ځای پرځای شي چې د بن له پریکړې وروسته د راغلي نظام په چوکات کې یې کارونه ندي کړي او پدې موده کې یې خپله بیطرفي ساتلې وي او هم یې د بهرنیو ځواکونو شتون ته دلایل نه وي پیداکړي او نه یې پدې نظام کې د کار کولو لپاره منډې ترړې وهلي وي. نو په هغه صورت کې به نه یوازې دا چې د دولت وسله والو مخالفینو د باور وړ وګرځي: بلکې د هغه خاموش اکثریت په وړاندې به هم د باور وړ وګرځي چې د دولت وسله والو مخالفینو په صف کې لدې امله نه دي ودریدلي چې ګنې یې د افغانانو پر ځای پردیو (ګاونډیانو) ته رسیږي خو د هغوی چپ پاتې کیدل ددې معنا هم نه ورکوي چې ګویا دوې د یو داسې دولت په یو ډول ملاتړ کوي چې د رنګېدو په کمره ولاړ دی او په هر ځل ټاکنو کې د لسو فیصدو وګړو په ګډون سره یې ځان ته مشروعیت ورکړی دی.

حو په حقیقت کې له ولس څخه په لوی واټن کې واقع دی. نو که د افغانستان دولت غواړي چې د سولې لپاره په برابره شوې فضاء کې خپل تاریخي مسؤلیت اداء کړي او له فرصت څخه ګټه پورته کړي. نو باید چې د باور د فضاء د را پیدا کولو لپاره لازمي او مطلوبې پریکړې وکړي.

هند و چشم انداز روابط ...

در اوایل سال های پیروزی روابط هندوستان با حکومت مجاهدین همراه با توسانات بود. آغاز درگیری های احزاب بر سر تقسیم قدرت چهره های طرفدار حاکمیت ملی و گروه های وابسته به پاکستان را در محک دید کشورهای دور و نزدیک قرارد اد. هند همواره در کنار کسانی ایستاد که از استقلال و تمامیت ارضی افغانستان دفاع می نمود.

اشغال کابل پایتخت کشور در میزان سال ۱۳۷۵ توسط طالبان که از سوی پاکستان حمایت می شدند، هندوستان را نگران ساخت. نگرانی هند و مردم افغانستان از آن جا ناشی می شد که پاکستان با حمایت از افراط گرایی به عنوان هرم های فشار ثبات را در منطقه برهم می زند. پاکستانی که با هند چندین بار بر سر دعوای ارضی در گیر شده و هر بار هم شکست خورده است، با حمایت از گروه های مذهبی در پی انتقام گیری بود. رویکردی که با گذشت بیش از چهل سال تا به کنون ادامه دارد و راه حل به خود تا هنوز نیافته است.

بعد از تحولات سال ۲۰۰۱ میلادی بار دیگر هند در قضایای افغانستان حصه گرفت و وعده های همکاری را با دولت مرکزی که در پی فیصله نامهٔ بن به میان آمده بود، اعلام نمود.

سقوط طالبان نقطهٔ عطف در روابط هند و افغانستان به حساب می آمد، این کشور در کنفرانس توکیو در سال ۲۰۰۲ متعهد به پرداخت ۱۰۰ میلیون دالر در بازسازی افغانستان گردید.

نقش هند در تمام کنفرانس هایی که راجع به قضیه افغانستان در سراسر دنیا تدویر یافته است قابل ستایش است این کشور تا حال بیش از صد ها میلیون دالر را به مصرف رسانده است.

همین اکنون هندوستان ده ها پروژه را در عرصه های مختلف، حمایت مالی و تخنیکی می نماید که برخی آنان به بهره برداری رسیده است.

از آن جایی که هند در عرصه های زیر بنایی مصروف کار است، از لحاظ زمانی یک مقدار زمانبر می باشد.

کار ساختمان شورای ملی در کابل، بند سلما در هلمند، سرک دلارام _ نیمرور، از جمله پروژه هایی است که از طرف کشور هند طی چندین سال بالای آنها کار جریان دارد.

طی ده سال گذشته کشور هند بورس های تحصیلی را در خدمت جوانان افغانستان قرار داده و گفته می شود که بیش از هزار جوان ما همین اکنون مصروف تحصیل در کشور هندوستان هستند. از سال ۲۰۰۱ به بعد بار ها دیده شده است که منافع هند از جمله سفارت این کشور چندین بار از سوی تروریست ها مورد حمله قرار گرفته و تلفاتمالی و جانی را متحمل شدند.

سال گذشته مهمان خانهٔ محل سکونت هندی ها مورد حمله قرار گرفت که طی آن نه شهروند این کشور جان های خود را از دست دادند. در تازه ترین واقعه چند نفر از مهندسان این کشور در جنوب افغانستان جان های خود را از دست داده اند.

گفته می شود، حضور هند در افغانستان، پاکستان را نگران ساخته است. نگرانی که هر دو کشور از حضور یکدیگر در افغانستان بیم دارند.

وزیر خارجهٔ هند در سفر اخیر خود به کابل ضمن نگرانی از امنیت شهروندانش که در افغانستان برای توسعه کار می کنند موضوعی را پنهان نکرد و تلویحا از مذاکرات صلح با طالبان که از نظر این کشور آنان آلهٔ دست پاکستان اند، انتقاد نمود.

حالا به نظر می رسد که افغانستان میدان رقابت هند و پاکستان شده است و هر کدام در این رقابت ها اهداف خود را دنبال می کنند. اما اهداف آنان راجع به افغانستان بستگی به عمق استراتژیک و نیاتی دارد که از دیرگاهی است از سوی هر دوکشور ابراز شده است.

اکنون به مردم و دولتمردان افغانستان است، تا در روابط دو جانبه و سه جانبهٔ خود در همگرایی با کشورهای فوق از سیاست هایی بهره ببرند که منافع افغانستان تأمین شود و به هیچ یکی از کشور های متذکره به خاطر تهدید منافع دیگر، در داخل جغرافیایی افغانستان زمینه مساعد نگردد.



سودان در آستانهٔ تجزیه

پوهندوی عبدالعلی کوهی

سودان از جملـه کـشورهای بـزرگ افریقـایی است کـه در شمال افریقـا قـرار دارد. ایـن کـشور بـالاتر از دو میلیـون کیلـومتر مربـع مـساحت دارد و در کنـار دریـای سـرخ موقعیـت دارد. سـودان و کـشورهای، مـصر، اریتیریـا، چـاد، لیبیـا، کـانگو، هوکنـدا و افریقـای مرکـزی هـم مـرز می باشد.

احـصائیهٔ اخیـر نـشان مـی دهـد کـه ایـن کـشور بـیش از ۴۰ میلیـون نفـوس دارد. ۵۲ در صد نژاد این کشور سیاه پوست افریقـایی مـی باشـد. ایـن کـشور از نـژاد عـرب و قبایـل غیـر عـرب تـشکیل یافتـه اسـت. ۷۰ درصـد مـردم این کـشور مـسلمان سـنی، ۵ در صـد مـسیحی و ۲۵ در صد پیرو باورهای محلی می باشند.

زبـان رسـمی ایـن کـشورعربی اسـت: امـا بیـشتر مـردم بـه زبـان هـای محلـی خـویش تکلم مـی نماینـد. بیـشترین رقـم بـی سـواد در ایـن کـشور وجـود دارد. سـودان در نیمـهٔ قـرن بیـستم (۱۹۵۶) از مـصر جـدا شـد. ۸۰ در صـد مردم این کشور زراعت پیـشه مـی باشـند. قـرار احـصائیهٔ سـازمان ملـل متحـد، ۴۷ درصـد ایـن مـردم در زیـر خـط فقـر قـرار دارنـد. از زمـان استقلال ملـی ایـن کـشور تـا اکنـون، ۳۲ سـال آن در جنـگ بـا همـسایگان و جنـگ هـای داخلی سپری گردیده است.

موجودیـت جنـگ هـای دوامـدار و طـولانی در ایـن کـشور، مـانع پیـشرفت سـودان گردیـده است. از آغـاز جنـگ هـای داخلـی ایـن کـشور تـا اکنـون بیـشتر از ۱,۹ میلیـون نفـر از غیـر نظامیان در جنوب ایـن کـشور کـشته شـده انـد. جنگ میان قبایل مختلف ایـن کـشور بـه ویـژه قبیلـهٔ فـور در جنـوب، از طـولانی تـرین جنـگ در افریقا بـوده اسـت. در نتیجـهٔ تـوافقی کـه در سـال ۲۰۰۵ مـیلادی میـان دو طـرف درگیـر؛ یعنی قبایـل جنـوب سـودان و حکومـت شـمال صورت گرفـت، بـه بخـش جنوبی سـودان ایـن حق داده شد کـه بـین اتحـاد بـا بخـش شـمالی و یـا اسـتقلال، از آن دو یکـی را انتخـاب کننـد، تـا اینکـه سیاسـتمداران در شـمال دریافتنـد کـه آخرین راه و چـاره و بیـرون رفـت از جنـگ، رفـتن به یک همه پرسی در جنـوب تـا آسـتانه اسـتقلال جنوب از شمال سودان می باشد.

احمـد عمرالبـشیر کـه از سـال ۱۹۸۹ بدینـسو رئـیس جمهـور ایـن کـشور اسـت. در یـک اقـدام غیر منتظره به جنوب سـودان رفـت و بـه مقامـات جنـوب سـودان وعـده سـپرد کـه نتیجـهٔ همـه پرسی را می پـذیرد و شـمال کـشور حاضـر اسـت در صـورت تجزیـه جنـوب تمـام امکانیـات، مـشوره، تخـصص و آمـوزش مـورد نیـاز جنـوب را تامین نمایـد. او در سـخنانش گفـت کـه هـر چنـد تجزیـهٔ سـودان غـم انگیـز اسـت، امـا در صـورت برگـزاری ایـن رفرانـدوم و اسـتقلال جنـوب سودان اگر بـه برقـراری صـلح، منجـر گـردد از آن استقبال خواهد نمـود. ایـن امکـان وجـود دارد کـه بعد از ریفراندوم در جنـوب سـودان شـهر بوجـا بـه احتمال قوی جدیـدترین پایتخـت در میـان کـشور های جهان خواهد بود.

روز نهـم جنـوری ۲۰۱۱ درتـاریخ سیاسـی جنـوب سـودان روز سرنوشـت سـاز خواهـد بـود. ۹۰ درصـد مـردان سـاکن جنـوب سـودان حاضـر انـد تـا بـه پـای صـندوق هـای رای بروند و اسـتقلال خـود را بـه دسـت آورنـد. ایـن همـه پرسی به مدت یک هفته ادامه خواهد یافت.

سـاکنان جنـوب سـودان را عمـداً مردمـان پیـروان باورهـای سـنتی محلـی و یـک اقلیـت مـسیحی تـشکیل مـی دهـد. از سـال هـای پـس ازاسـتقلال سیاسـتمداران شـمال سـودان نتوانـسته انـد قبایـل سـرکش جنـوب را آرام سـازند و ایـن مردمـان هیچگـاه حاضـر نبـوده انـد، تـا قـوانین سـخت گیرانـهٔ اسـلامی شـمال را بپذیرنـد. ایـن اخـتلاف در دو دهـهٔ اخیـر موجـب جنـگ هـای سنگین میان شمال و جنوب گردیده است.

بـسیاری از مردمـان سـودان، بـه ویـژه جنـوب ایـن کـشور در جنـگ تولـد گردیـده و در جنـگ بـزرگ شـده انـد. ظـاهراً فهمیـده مـی شـود کـه نتیجـهٔ ایـن رفرانـدوم بـرای شـمال و کـشورهای همـسایهٔ سـودان یگانـه راه حـل برای ختم جنگ خواهد بود.

کشور هـای غـرب و امریکـا بـه نتیجـهٔ ایـن رفرانـدوم چـراغ سـبز نـشان داده و آن را یگانـه راه حل از خـشونت هـای فرقـهٔ در ایـن کـشور خوانده اند. پـس از فکـر رفرانـدوم یـک سلـسله دشـواری هـای در ایـن کـشور وجـود خواهـد داشت که باید بـه آن بـه شـیوه هـای مـسالمت آمیـز، پرداختـه شـود، از جملـه تعیـین خطـوط مـرزی و موجودیـت اعـراب شـمال در جنـوب است.

این نگرانـی وجـود دارد کـه مـردم جنـوب بـا خـشونت در برابـر اعرابـی کـه از شـمال ایـن کـشور در ایـن سـرزمین زنـدگی مـی کننـد، اعمـال نماینـد، و یـا اینکـه منـاطق نفـت خیـز کـه در مـرز هـر دو قـسمت سـودان قـرار مـی گیرد، چگونـه تقـسیم خواهـد گردیـد. از جانـب دیگـر بیـشترین چـاه هـای نفـت سـودان در جنـوب آن کـشور قـرار دارد و از طریـق بنـدر شمال سودان صـادر مـی گـردد. اینهـا و مـوارد دیگـر از جملـه دشـواری هـای اسـت کـه تـا اکنـون پیرامـون آن توافـق صـورت نگرفتـه است. منـاطق نفـت خیـر کـه در مـرز شـمال و جنـوب قـرار دارد، بـدون شـک موجبـات اختلاف میان این دو قسمت خواهد بود.

در حـالی کـه پیرامـون ایـن مرزهـا تـا هـم اکنـون علامـه گـذاری صـورت نگرفتـه اسـت. به همین گونـه موجودیـت احـشام و گلـه داران که اصـولاً از مرزهـا مـی گذرنـد و مرزهـا بایـد برای آن ها باز باشد، تـا هنـوز در زمینـه توافـق صـورت نگرفتـه اسـت. بـه همـین صـورت از مشکل دیگـر شـمال و جنـوب سـودان، موضـوع شـهروندی ایـن دو سـرزمین خواهـد بـود کـه تعـداد از اهـالی شـمال در جنـوب و از جنـوب در شـمال زنـدگی مـی کننـد. همـین حـالا رسـانه های بین المللی خبـر مـی دهنـد کـه تعـدادی از اعراب شـمال کـه در جنـوب زنـدگی مـی کننـد آمـادگی کـوچ بـه شـمال را دارنـد زیـرا از بـیم خـشونت، آزار و اذیـت دسـت بـه ایـن کـار مـی زنند.

هـر چنـد پـس از سـال ۲۰۰۵ از تعـداد اعـراب جنـوب سـودان کاسـته شـده اسـت، بـه همـین گونـه سـیلواکییر رهبـر جنـوب سـودان کـه بـه احتمـال قـوی نخـستین رئـیس جمهـور ایـن کشور خواهـد بـود ایـن اطمینـان را بـرای اهـالی شـمال کـه در جنـوب زنـدگی مـی کننـد، داده اسـت کـه آن هـا در امـن و ثبـات زنـدگی خواهنـد کـرد. ایـن هـا و مـوارد زیـاد دیگـری وجود دارد کـه بعـد از اسـتقلال جنـوب بایـد بـه آن ها پرداختـه شـود و ایـن احتمـال نیـز وجـود دارد کـه اسـتقلال جنـوب سـودان مقدمـه یـی یک فاجعه انـسانی دیگـر در سـودان گـردد. ایـن بـستگی بـه دیپلماسـی فعـال شـمال و جنـوب سـودان، کـشور هـای همـسایه و قـدرت هـای بـزرگ جهـان مـی باشـد کـه چگونـه خواهنـد توانـست اسـتقرار و ثبـات سیاسـی را در جنـوب بـه وجـود آورنـد؛ زیـرا عوامـل تـشنج هنـوز بـه قـوت خـود بـاقی اسـت و تـا زمـانی کـه ایـن عوامـل تـشنج بـه طـور منطقـی حـل نگـردد، مـشکل خواهـد بـود بـه صـلح پایـدار اطمینـان داشت، بایـد انتظـار کـشید کـه سـر نوشـت ایـن کشور فقیر جهان چگونه رقم خواهد خورد.

نامهٔ سر گشاده به ...

مانند افغانستان از یکصد دالر معاش ماهانهٔ یک کارگر عادی تکس گرفته می شود؟ یک شرکت کوچک که بیست کارگر ساده در استخدام خود دارد مجبور است تا یک نفر هم برای محاسبهٔ مالیهٔ معاش این بیست نفر استخدام نماید تا هرماه سر موعد این پول را به حساب عواید دولت جمع نماید در غیر آن در ماه بعدی باید جریمه بپردازد.

وزارت مالیه یک هدف را از قبل تعیین می نماید تا میزان عواید دولت در پایان سال به آن حد برسد. برای رسیدن به این هدف یا به قول خود شان (تارگت) به شیوه های مختلف تکس ها و محصولات گمرکی را بلند می برند بدون اینکه به مشکلات بعدی آن توجه داشته باشند. وقتی محصول گمرکی بر اقلام وارداتی مورد نیاز اولیهٔ مردم اضافه می شود، این محصول دولت را تاجران نمی پردازند بلکه این کار به معنی وضع مالیات انتقالی است که بالای قیمت اضافه می شود و تاجر آنرا از جیب مصرف کنندگان یعنی مردم تهیدست این کشور به دست می آورند. اینها همان مردمی اند که اکثریت عظیم آنان زیر خط فقر زندگی می کنند.

جناب رئیس جمهور!

یک تعریف از فساد اداری سوء استفادهٔ مامورین دولت از مقام شان برای مقاصد شخصی است. وزیر مالیه برای اینکه بتواند موفقیت خود را در کسب عواید بیشتر نشان دهد و به این ترتیب به عنوان یک وزیر موفق معرفی و بار دیگر از پارلمان رای تائید بگیرد، دست به کاری زده است که حاصل آن، کاهش سرمایه گذاری در کشور، کاهش سطح استخدام، نارضایتی مردم از حکومت، بلند رفتن قیمت ها و در نهایت متضرر شدن اکثریت مردم این کشور است. کسی که به خاطر حفظ مقام خودش دست به چنین اقدامی زده است باید توسط شورای ملی جدید به جای تائید مجدد، مورد استیضاح قرار گیرد.

حکومت باید هیئتی از اشخاص خبره را موظف سازد تا وضع مالی کشور را به صورت دقیق مورد بررسی قرار دهد و مشخص سازد که شرکت های بزرگ و قراردادی های بزرگ هم مشمول این قانون هستند و یا نه؟

جناب رئیس جمهور!

در کشور امارات متحدهٔ عربی عاید این کشور از مدرک عواید کمپنی های موبایل با عواید نفت آن کشور همسری می کند اما در کشورما این عاید به جیب کمپنی های مخابراتی می رود که با جمعی از افراد ذی نفوذ در دولت شریک اند.

قرار احصائیهٔ وزارت مخابرات، امروز بیش از هفت میلیون نفر از خدمات تیلفون های موبایل استفاده می کنند. اگر ما فرض کنیم که ۶ ملیون از این مشترکین به صورت اوسط روزانه یک دالر امریکایی را کریدیت مصرف می کنند، عاید مجموع این کمپنی ها ماهانه به صورت اوسط ۱۸۰ میلیون دالر و در سال به ۲ میلیارد و ۱۶۰ میلیون دالر می رسد.

یک منبع بزرگ عایداتی دیگر در این بخش مکالماتی است که از خارج کشور با افغانستان صورت می گیرد که در بدل آن از خارج پول گرفته می شود. این پول هم سالانه به صدها میلیون دالر بالغ می گردد. این عاید هیچ رابطه ای به کمپنی های موبایل ندارد و حق مسلم مردم افغانستان است. مشخص نیست که در طول سال های گذشته این پول هنگفت به کجا رفته است. اگر عواید حاصله از رومنگ را که فوق العاده گران است، به این عواید کمپنی های موبایل اضافه کنیم، عواید آنها خیلی بیشتر می شود. عوایدی که بدون قبول خطر است و از عواید معادن افغانستان هم می تواند بیشتر باشد. جالب است که عواید حاصله از این تجارت در داخل افغانستان سرمایه گذاری نمی شود بلکه به خارج منتقل می گردد. که برای شفافیت موضوع باید وزارت مالیه سرنوشت این پول ها را مشخص سازد. آیا مرجع مربوطه در این مورد تا کنون اقدامی کرده است یا نه؟

باالاحترام
رحمت الله از خیرخانه

هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ سی و ششم ۲۵جدی ۱۳۸۹   ۱۰ صفر المظفر ۱۴۳۲ - 15 Jan 2011

نامهٔ سر گشاده به رئیس جمهور!

وزارت مالیه دست به کاری زده که حاصلش، کاهش سرمایه گذاری، بلند رفتن قیمت ها و نارضایتی اکثریت مردم شده است

جناب رئیس جمهور!

آنچه که من در این نامه خدمت شما می نویسم، هرچند درد دل تعداد زیادی از شهروندان کشور است که در شرکت های کوچک دست به سرمایه گذاری زده اند و بسیاری از این شرکت ها در معرض ورشکستگی قرار دارند در عین حال می تواند نمایانگر بهای سنگینی باشد که مردم ما با بلند رفتن تکس و مالیات و عوارض گمرکی می پردازند.

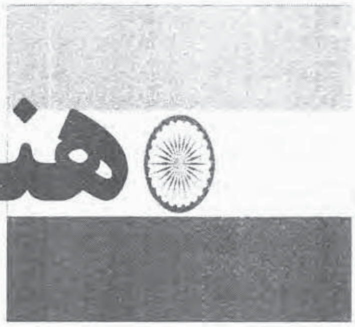
طوری که اطلاع دارید، از دوسال به اینطرف میزان سرمایه گذاری در کشور حتی بیش از پنجاه درصد کاهش یافته و مقامات دست اندرکار در حکومت هم این موضوع را با رسانه ها در میان گذاشته اند که یک حقیقت مسلم است.

گفته می شود که دلیل این کاهش در سرمایه گذاری ناامنی در کشور است اما به نظر من عوامل دیگر موثر در این راستا را نباید در عقب بهانهٔ ناامنی پنهان کرد که حتی بیشتر از ناامنی در این رابطه موثر بوده است.

یکی از اقداماتی که وزارت مالیهٔ افغانستان در دوسه سال اخیر انجام داد این بود که سیستم مالیه دهی را که در کشورهای غربی معمول بود، به افغانستان مورد تطبیق قرار داد بدون اینکه این حقیقت را در نظر بگیرد که اگر در غرب از شرکت ها و یا تاجران به نام های مختلف تکس و مالیه اخذ می شود، همانقدر تسهیلات هم در اختیار آن شرکت ها قرار می گیرد. طوری نیست که نهاد های مالی در آن کشورها یک هدف چند میلیاردی را از قبل تعیین کنند و بعد به قیمت ورشکست شدن شرکت های کوچک، ویا به بهای پائین آمدن سطح زندگی مردم عام آن کشورها از آنان به نام های مختلف مالیه بگیرند تا هدف برآورده شده و وزیر مالیه به عنوان یک وزیر موفق معرفی گردد.

امروز وزارت مالیه سیستم مالیه دهی را به حدی پیچیده ساخته که حتی دست اندرکاران ریاست عواید هم از آن ناراضی هستند. رئیس کمیسیون مبارزه با ارتشا و فساد اداری نیز این مسئله را یکی از زمینه های فساد مالی در کشور می داند.

وزارت مالیه می گوید که، میزان تکس در افغانستان در مقایسه با بسیاری از کشور ها کمتر است. شاید در مقایسه با امریکا و انگلستان چنین باشد اما سوال اینست که در کدام کشور جهان ص۷



● **حالا به نظر می رسد که افغانستان میدان رقابت هند و پاکستان شده است و هر کدام در این رقابت ها اهداف خود را دنبال می کنند. اما اهداف آنان راجع به افغانستان بستگی به عمق استراتژیک و نیاتی دارد که از دیرگاهی است از سوی هر دوکشور ابراز شده است.**

و چشم انداز روابط آن با افغانستان

عنایت

هند یکی از کشورهای عمده با داشتن قدرت اتمی و اقتصادی در منطقه ای که زندگی ما کنیم، می باشد.این کشور با داشتن ظرفیت های کلان اقتصادی، سیاسی و نظامی به یک بازیگر مهم در جنوب آسیا تبدیل شده است.

نقش آفرینی کشور هندوستان، نه تنها به روند سیاست گذاری های کشورهای جنوب آسیا، بلکه به سایر کشورهای دور و نزدیک منطقهٔ ما سایه افگنده است. وقتی به کشور های جنوب آسیا سفر کنید، جایگاه هند و تأثیر گذاری قدرتمند و نفوذ این کشور را از نزدیک می بینید که چگونه سایهٔ خود را بالای زندگی مردمان سایر کشورها نظیر سریلانکا، بوتان، تایوان، برما، مالی، ... افراشته است.

روابط سیاسی هند به افغانستان بر می گردد به سال های که این کشور به معنای واقعی استقلال خود را به رهبری مهاتاگاندی از انگلیس گرفت.

طی سال های اخیر حضور هند در بازی های افغانستان چشمگیر به نظر می رسد. داشتن روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی با افغانستان در نیمهٔ دوم قرن ۲۰ و اوایل قرن۲۱ در صدر برنامه های این کشور قرار داشت. این کشور همواره در رابط دپلوماتیک خود برخلاف پاکستان از حکومت های مرکزی کشورما حمایت نموده است.

در دورهٔ جنگ سرد که منجر به شکست بلوک شرق شد، هندوستان از رژیم داکتر نجیب الله، طرف دار شوروی سابق حمایت می کرد. حمایت هند از رژیم نجیب در افغانستان به دلیل آن بود که نیروهای اپوزیسیونی خارج از کشور، از سوی کشور پاکستان و برخی قدرت های غربی حمایت می شدند.

نزدیکی هند در دورهٔ جنگ سرد با روسیه این کشور را با بی مهری غرب رو برو ساخت از این فرصت پاکستان رقیب این کشور به ساخت بمب اتمی دسترسی پیدا نمود.

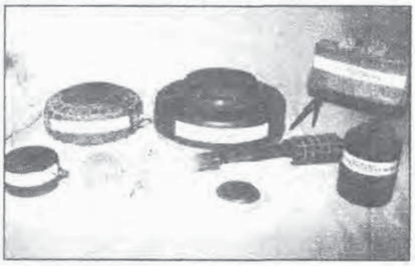
هند از داشتن یک قدرت اتمی رقیب در کنارش در هراس است، پاکستان و هند برسر موضوع کشمیر دست کم سه بار به جان هم افتاده اند.

با به قدرت رسیدن مجاهدین در سال۱۳۷۱ خورشیدی هندوستان همواره روابط دپلوماتیک خود را با حکومت مرکزی افغانستان حفظ نمود. ص۶

ماین

دشمن نامرئی

فیض



سه ده جنگ و ناامنی در کشور و مداخلات کشورهای دور و نزدیک، باعث آن شده تا انبارهای اسلحهٔ سبک و سنگین و ماین در این کشور سرازیر شود. از جمله سلاحی که هنوز هم در سراسر کشور از مردم افغانستان و مواشی آن قربانی می گیرد، ماین است.

ماین دشمن پنهانی است که در مناطق استراتژیک از سوی طرف های درگیر در جنگ افغانستان گذاشته شده است که بعد از ختم جنگ هرکس پشت کارش رفته و این دشمن خاموش و خوابیده، هرچه بالایش پا گذاشته انفجار می کند، می کُشد و به معلول و معیوب کشور می افزاید.

قسمتی از این ماین ها در زمان روس ها و طالبان و دوره هایی جهاد و مقاومت کِشت شده است اما تا حال هم از جانب طالبان و گروه های مسلح غیر مسوول این پروسه ادامه دارد.

موسسات ماین پاکی حتی المقدور بعد از آمدن حکومت موقت جهت از بین بردن ماین، تلاش هایی را نموده و تعدادی زیادی را خنثی نموده اند، اما این کافی نبوده است. و هنوز هم ماین در مناطق ناامن و یا جا های نسبتاً امن کشور که از سابق تعبیه شده، قربانی می گیرد.

در سال ۱۹۷۷ میلادی در شهر اوتاوای کانادا در نشست ۱۴۰ کشور جهان در ارتباط منع تولید و مصرف ماین بحث شد و معاهده ای به امضاء رسید، تا در ده سال اینده، همه کشورهای جهان از تولید و مصرف آن دست بکشند. اما گفته می شود که هنوز هم از جمله، ۴۰ کشور به آن تعهد پایدار نمانده است.

در حال حاضر صدها هزار کیلومتر مناطقي که ماین کشت شده، پاک سازی نشده است. و قبلاً ادارهٔ ماین پاکی سازمان ملل متحد به رسانه گفته بود که تا سال ۲۰۱۳ افغانستان را از وجود ماین پاک خواهند ساخت، اما هفتهٔ گذشته ادارهٔ ماین پاکی این سازمان گفته است که به دلیل کمی بودجه و عدم امنیت در افغانستان، تا موعد معین (۲۰۱۳) آن ها قادر نخواهند بود افغانستان را از وجود ماین پاک سازند. و این بدان معنی است که تا سال های طولانی ماین در این سرزمین باقی خواهد ماند.

حال بر دولت افغانستان است تا در این زمینه صدا بلند کند، نهادهای خیریه و کشورهای کمک کننده را وادار بسازد، تا در این راستا همکاری نمایند تا دیگر خون مردم بیگناه ما توسط این دشمن پنهان و نامرئی ریخته نشود.